

بازجستی در صندوق‌ها و ضریح‌های مرقد مطهر امام رضا (ع)^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۹

کد مقاله: ۷۳۶۸۷

آمنه مافی تبار^{۲*}

چکیده

حرم رضوی، بارگاه امام هشتم شیعیان، از زمان شکل‌گیری تا به امروز صندوق‌های مزار و ضریح‌هایی چندی را به خود دیده که بر مقبره امام رضا (ع) قرار گرفته‌اند. با وجود اهمیت موضوع و امکان مستندنگاری در این باره، تعداد صندوق‌ها و ضریح‌هایی که در این مکان مقدس قرار گرفته و زمان دقیق نصب یا واقف آن - در تعدادی از موارد که با زمان‌های دورتر نسبت می‌یابد - مبهم و مغشوش است لذا مقاله پیش‌رو با رجوع به منابع تاریخی نسبت به زدودن شبهات این حوزه اقدام می‌کند و به شیوه توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است: بر اساس مستندات موجود، صندوق‌های و ضریح‌های حرم امام رضا (ع)، چه تعدادی بوده و در کدام ادوار نصب شده‌اند؟ نتایج نشان می‌دهد که حداقل پنج صندوق و پنج ضریح بر مرقد مطهر استقرار یافته که به ترتیب با عنوان، صندوق چوبی سده چهارم، صندوق انوشیروان مجوس، صندوق عباسی، صندوق سنگی اول و صندوق سنگی دوم شناخته می‌شود. ضریح‌ها نیز به ترتیب محجر طلای شاه تهماسب اول صفوی، ضریح فولادی دوره شاه سلطان حسین صفوی (که به خطا به فتح‌الملی شاه نسبت داده می‌شود)، ضریح مرصع نادری (نگین‌نشان)، ضریح شیر و شکر (ملع)، ضریح سیمین و زرین (آفتاب) هستند که بر این بارگاه مبارک قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: مرقد امام رضا (ع)، مشهد، صندوق، ضریح

۱- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی نگارنده با عنوان «بازیابی شاخصه‌های مکتب هنر رضوی از منظر تحلیل طرح و نقش تعدادی از روپوش‌های پارچه‌ای مرقد مطهر امام رضا (ع)» در دانشگاه هنر است.

۲- استادیار، عضو هیأت علمی گروه طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

بارگاه مقدس اما رضا (ع) از زمان شکل‌گیری تا به امروز، تغییرات بسیاری را به خود دیده است. بهبود صندوق‌های مزار و ضریح‌های نصب شده در این مکان، بخش مهمی از این دیگرگونی‌ها بوده که با وجود امکان ثبت و ضبط تاریخی، دقایق و مستندات برخی ویژگی‌های اصلی آن همچون واقف یا زمان دقیق نصب، مغفول یا در حال‌های از ابهام مانده است. به همین دلیل درباره اطلاعات شناسنامه‌ای صندوق‌های مزار یا ضریح‌هایی که در ادوار دورتر بر این مکان مقدس قرار گرفته، آمیختگی و شبه وجود دارد. با هدف ترمیم این کاستی، پژوهش حاضر با نظر به مستندات موجود به دنبال پاسخ به این پرسش است که صندوق‌های و ضریح‌های حرم امام رضا (ع)، چه تعدادی بوده و در کدام ادوار نصب شده‌اند؟ به این منظور پس از اشاره مختصر به چگونگی شکل‌گیری مشهد امام رضا (ع) و گسترش آن، مفهوم صندوق مزار و ضریح به بحث درمی‌آید و تاریخ صندوق‌ها و ضریح‌های حرم مطهر امام رضا (ع) مطالعه شده و نتیجه عرضه می‌شود.

۲- شکل‌گیری مشهد امام رضا (ع)

در زمان خلافت امین و کشاکش مأمون، شیعیان منتظر بودند عباسیان خود به خود ریشه‌کن شوند و نیازی به قیام مسلحانه و خسارات مترتب بر آن نباشد. اما پیروزی و خلافت مأمون عباسی - هر چند تظاهر به تشیع می‌کرد - آنها را نا امید ساخت لذا یک سال پس از استقرار مأمون شیعیان سر به شورش برداشتند. وسعت این قیام‌ها به حدی بود که فقط تصادف و اتفاق توانست از پیروزی آنها جلوگیری کند. از این رو مأمون، تنها راه خاموش کردن سلسله قیام‌های بی‌انتهای شیعیان را در پیشنهاد خلافت به امام رضا (ع) دید؛ با اصرار تهدیدآمیز مأمون در ۲۰۱ ق. / ۸۱۶ م. امام رضا (ع) از مدینه به مرو آوردند و ولایتعهدی مأمون را به ایشان تحمیل کردند. امام هم آن را مشروط به شرایطی پذیرفتند که اهم آن دخالت نکردن در امور قضایی، اجرایی و سیاسی و پرهیز از هرگونه عزل و نصب بود تا فقط به امور مذهبی و علمی اشتغال ورزد. (رجبی، ۱۳۹۵، ۶۸) این ایام دیری نپایید و مأمون برای ترضی خاطر بنی‌عباس که جمعیت انبوه و مؤثر بودند، ورق را برگرداند اما اگر می‌خواست بیعت را بشکنند و ولیعهد را عوض کند با مخالفت علویان روبه‌رو می‌شد بدین سیاق تصمیم گرفت به سعادت امام رضا (ع) را مسموم کند تا بتواند با گشاده‌رویی به سوی بنی‌عباس برود و اوضاع را آرام سازد لذا در مقام اجرای این نقشه برآمد (عمادزاده، ۱۳۴۴، ۱/ ۵۵۳) و اینطور بود که حضرت رضا (ع) به دست مأمون مسموم شدند. بعد از شهادت امام رضا (ع) توسط مأمون عباسی، وی آن بزرگوار را در بقعه هارونی تقریباً بالای سر پدرش، هارون‌الرشید دفن نمود. (کاواییان، ۱۳۵۵، ۳۲) به اتفاق مورخین، بدن مطهر حضرت رضا (ع) در بقعه هارونی واقع در سناباد نوغان از توابع توس مدفون گردید. در مرور ایام این محل به صورت شهر درآمد و به نام مشهد مشهور شد و اکنون چندین قرن است مطاف مسلمین و زیارتگاه شیعیان جهان قرار دارد. (مؤتمن، ۱۳۴۸، ۵۵)

درمیان منابع تاریخی، مهم‌ترین و معتبرترین گزارش درخصوص تشییع پیکر حضرت رضا (ع) متعلق به احمد بن اسحاق یعقوبی (۲۹۲ ق / ۹۰۴ م) مورخ برجسته شیعی است. او از شهادت ایشان در قریه نوغان از شهر توس خبر می‌دهد و جزئیات این واقعه را از زبان فردی به نام «ابی الحسن ابی عباد» می‌نویسد: «ابی الحسن ابی عباد گفت: در تشییع جنازه رضا (ع)، مأمون را دیدم که قبای سفید در بر داشت و سر برهنه میان دو قائمه نشن پیاده می‌رفت.» (ابن واضح یعقوبی، ۱۳۸۹، ۱/ ۴۷۱) مأمون بر او نماز گزارد و وی را در کنار گور پدرش به خاک سپرد. (ابن اثیر، ۱۳۸۹، ۱/ ۳۸۸۳) اباصلت عبدالسلام بن صالح هروی نیز که در دو سال پایانی حضرت رضا (ع) همواره ملازم ایشان بوده است، درخصوص تشییع بدن آن حضرت عنوان می‌کند که پس از شهادت حضرت رضا (ع)، مأمون به حجره‌ای که پیکر امام (ع) قرار داشت، رفت. وی دستور داد آن حضرت را تجهیز کنند و قبر شریف او را حفر نمایند، ابتدا خواستند در پشت سر هارون قبر مطهر آن حضرت را حفر کنند، اباصلت شروع به کندن قبر نمود ولی ممکن نشد. یکی از اهل آن مجلس به مأمون گفت: تو اعتقاد به امامت داری؟ مأمون گفت: آری. آن مرد گفت: امام چه در حیات و چه در ممات باید بر همه کس مقدم باشد. سپس مأمون فرمان داد که قبر امام را در سمت راست قبله حفر نمایند. پس از آن اباصلت که از قبل برای تدفین آن حضرت توجیه شده بود، دست به کار شد و ایشان را در سمت قبله قبر هارون دفن کرد و مراجعت نمود.^۱

۱- ابن بابویه قمی از اباصلت نقل می‌کند: من در ملازمت حضرت رضا (ع) بودم؛ حضرت فرمود: ای ابا صلت به این بقعه که هارون در آنجا دفن شده است داخل شو و از هر گوشه آن از چهار کنج مشتی خاک برای من بیاور، من آنچه خواسته بود برداشته و آوردم، چون مقابلش رسیدم فرمود: یکی یکی از آن چهار مشت خاک را به من ده و من از خاک‌ها یکی را بدو دادم آن را بوئید و بر زمین ریخت سپس رو به من کرده گفت: در اینجا برای دفن من قبری حفر می‌کنند و سنگی پیدا می‌شود که اگر همه کلنگ‌های خراسان گرد آیند نمی‌توانند آن سنگ را از جا بیرون کنند، بعد در باره خاک پایین پا و خاک بالای سر هارون نیز نظیر این کلام را فرمود، آنگاه گفت: آن خاک دیگر را بمن ده، من خاک (پیش روی را) بدو دادم آن را بگرفت، و فرمود: این خاک از تربت من است؛ بعد فرمود: برای من در این موضع قبری حفر کنند، و تو آنان را امر کنی که تا هفت پله گود کنند و در آنجا از یک‌سو قبر را وسیع کنند و قبری احداث نمایند، اگر از آن امتناع ورزیدند و گفتند: حتما باید لحد داشته باشد، پس بگو باید دو ذراع و یک وجب وسعت قبر باشد، پس خداوند خود آن را هر چه بخواهد وسعت می‌دهد، و چون چنین کردند، تو خواهی دید که در بالین قبر خیزی پیدا می‌شود، این کلامی را که به تو می‌آموزم در آنجا بخوان، پس قبر پر از آب خواهد شد و پر می‌شود و در آن آب، ماهیان ریزی خواهی دید، پس برای آنها نانی که اکنون به تو می‌دهم خرد می‌کنی و آنها می‌بلند و چون چیزی از آن نان باقی نماند ماهی بزرگی آشکار

(حسینی، ۱۳۹۳، ۱۲۱) بنابراین اولین بنای آنجا همان بقعه هارونیه بوده است. در سال ۲۰۳ ق. / ۸۱۸ م. که حضرت رضا (ع) به شهادت رسیدند در داخل همین بقعه هارونی دفن شدند و اهمیت و عظمت این مکان از موقع دفن حضرت رضا (ع) شروع گردیده و به زعم بعضی، در عهد دیالمه اینجا را به پاره‌ای تزیینات مزین نموده‌اند. (مؤتمن، ۱۳۴۸، ۶۱؛ عمادزاده، ۱۳۴۴، ۱ / ۱۳۰) بدین ترتیب هارون فراموش شد و تحت‌الشعاع انوار فروزان حضرت رضا (ع) قرار گرفت. از آن زمان، قبه هارونیه به مشهد توس معروف گردید؛ مشهد یعنی محل شهادت. جایی که امام رضا (ع) مظلومانه به شهادت رسیدند. در کتاب‌های قدیم به عنوان مشهد توس و هم مشهد رضا نام برده شده و سرانجام کلمه توس و رضا هم در محاورات کتابت حذف شد و به نام مشهد معروف گردید. این مکان مقدس در طول تاریخ همواره محل تردد و مرکز عارفان و عالمان حقیقت بوده است. (عطاردی، ۱۳۷۱، ۵۹)

شهر مشهد که امروزه مرکز اداری خراسان رضوی است، شهر نسبتاً جدیدی به شمار می‌رود که به دلیل آمد و شد زائران پس از زوال شهرهای باستانی نزدیک به آن یعنی توس و نیشابور، در اثر یورش مغولان و در پیرامون آرامگاه امام رضا (ع) گسترش یافته است. پیش از خاکسپاری امام رضا (ع)، هارون‌الرشید، خلیفه عباسی (حک: ۱۹۳-۱۷۰ ق. / ۸۰۹-۷۸۶ م.) را در این مکان به خاک سپرده بودند. پیکر امام رضا (ع) نزدیک ضلع غربی و در بالای سر گور هارون به خاک سپرده شد. چنانچه صاحب کتاب صوره-الارض در توصیفی کوتاه آمده است: «قبر علی‌ابن موسی‌الرضا (ع) در بیرون شهر نوقان است و در مجاورت آن قبر هارون‌الرشید در مقبره‌ای زیبا در قریه سناباد است که حصنی استوار دارد و گروهی در آن معتکف هستند.» (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ۱۶۹) دیگر مؤلفان نیز ضمن آنکه به نامشخص بودن زمان احداث بنای مزبور اشاره دارند، می‌نویسند که بقعه و بارگاه حرم قبل از مرگ هارون‌الرشید در میان باغ وجود داشته است و هارون در همان محل دفن شده و در کتاب‌های تاریخی نیز در هیچ‌جا دیده نشده است که مأمون یا سایر خلفای عباسی عمارت و بقعه‌ای بر مزار هارون ساخته باشند و بنای حرم همان ساختمانی است که «حمید بن قحطبه» در آن منزل داشته است. وجود داستان‌هایی که بنای کاخ را به سال‌های دور نسبت می‌دهند اگرچه سندیت تاریخی ندارد اما بیانگر آن است که قدمت این بنا به سال‌ها قبل و حداقل به پیش از دوران خلافت مأمون و حتی پیش از اسلام در خراسان بازمی‌گردد بنابراین می‌توان چنین احتمال داد که شاید این کاخ از جمله بناهای دوره ساسانی بوده که مانند دیگر بناهای ولایات ایران، مکان مناسبی برای احداث کاخ حکمران والی خراسان بوده است. (عطاردی، ۱۳۷۱، ۶۱؛ قصابیان، ۱۳۷۷، ۱۰۲؛ عالم‌زاده، ۱۳۸۸، ۱۶)

۳- گسترش مشهد امام رضا (ع)

خراسان از دیرباز سرزمین مستعدی جهت پذیرش افکار و اعتقادات شیعیان بود که این امر در دو قرن اول قمری بیشتر به سبب دوری از مرکز خلافت بود، به گونه‌ای که این مشخصه امکان دسترسی سریع و آسان خلفا را به مخالفان نمی‌داد. شیعیان به عنوان مخالفان اصلی و جدی خلافت (چه اموی و چه عباسی) برای در امان ماندن از آزار و اذیت خلفا و همچنین ساماندهی قیام بر ضد دستگاه خلافت، به مناطق دوردست از جمله خراسان سفر کردند. با ورود امام رضا (ع) به خراسان، موج بیشتری از شیعیان و طرفداران اهل بیت (ع) روانه خراسان شدند. پس از شهادت امام رضا (ع) مرقد ایشان تبدیل به زیارتگاهی مهم در میان مسلمانان و به ویژه شیعیان شد. در ادوار مختلف تاریخی، مرقد امام رضا (ع) مورد احترام حاکمان (چه شیعه و چه غیرشیعه) قرار داشت. نخستین حکومتی که اهتمام جدی در توسعه حرم رضوی داشت، آل بویه (۴۴۸-۳۲۲ ق. / ۱۰۵۶-۹۳۳ م.) شیعه‌مذهب بود. در این دوره ظاهراً زیارت حرم رضوی نیز رواج بیشتری داشت. در دوره حکومت‌های سنی‌مذهب غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان نیز سلاطین این سلسله‌ها از توجه به حرم رضوی غافل نبودند. (مهمان‌نواز، ۱۳۹۹، ۲) به واقع آستان قدس رضوی، تشکیلات زیارتگاهی است که در طی دوازده قرن گذشته بر محور حرم امام رضا (ع) بنیان گرفته است. این تشکیلات، امروزه مجموعه‌ای از بناهای تاریخی شامل مساجد، رواق‌ها، صحن‌ها و ساختمان‌های وابسته است که چگونگی بنیان گرفتن و توسعه آن در گذر زمان جایگاه مهمی نه تنها در تاریخ محلی بلکه در تاریخ هنر ایران و جهان اسلام دارد. وجود مساجد، مدارس، صحن‌های وسیع و رواق‌های کوچک و بزرگ که با انواع تزیینات در اطراف بقعه اصلی ساخته شده‌اند همچنین آثار گرانبهایی که برای استفاده در این مکان مقدس ساخته یا وقف شده‌اند نشان از اهمیت مرقد مطهر امام هشتم (ع) نزد شیعیان دارد. چنانکه هریک به فراخور توان خویش اثری ماندگار وقف کرده‌اند. این آثار حاوی اطلاعاتی است که بخشی از هویت تاریخی حرم مطهر و هنر دوره اسلامی را نشان می‌دهد. (کفیلی، ۱۳۹۵، ۱)

مرقد مطهر امام رضا (ع) در سرداب قرار دارد و بالای سرداب، ضریح و صندوقی گذاشته شده و معلوم نیست از چه زمانی گذاشتن صندوق معمول شده است. سقف سرداب، همان کف حرم مطهر است. زمان به وجود آمدن سرداب به طور قطع معلوم

می‌شود و آن ماهیان ریز را می‌بلعد تا اینکه هیچ باقی نماند سپس پنهان می‌گردد و چون غایب شد تو دست بر آن آب فرو بر و این کلام را که به تو یاد می‌دهم بخوان. آب فرو می‌نشیند و چیزی از آن باقی نمی‌ماند و این کار را جز در پیش روی مأمون انجام مده. (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ۱/۲ ۵۹۴-۵۹۳)

۱- والی و سردار معروف خراسان در دوره خلافت هارون‌الرشید و مأمون بود.

نیست. آنچه مسلم است و از قراین برمی‌آید سرداب پس از محو شدن صورت گور هارون الرشید یعنی از قرن هشتم ق. به بعد به وجود آمد. مدارک موجود نشان می‌دهد تا اوایل قرن هشتم ق. صورت قبر هارون در زیر گنبد و پایین پای مبارک حضرت بوده است. روی قبر هارون نیز صندوق چوبی بوده چنانکه ابن بطوطه جهانگرد که در اوایل سده هشتم ق. به مشهد آمده قبر هارون را مشاهده نموده و از آن نام برده است: «مشهد مکرم امام رضا (ع)، قبه‌ای بزرگ دارد. آرامگاه امام در داخل زاویه‌ای است با مدرسه و مسجدی در کنار آن، و این عمارت‌ها همه با سبک بسیار زیبا ساخته شده و دیوارهای آن کاشی است. روی قبر، ضریحی چوبی قرار دارد که سطح آن را با صفحات نقره پوشانیده‌اند. از سقف مقبره قندیل‌های نقره آویزان است. آستان در قبه هم از نقره است و پرده ابریشم زردوزی بر در آویخته. داخل بقعه با فرش‌های گوناگون مفروش گردیده است. روبروی قبر امام، قبر هارون الرشید واقع شده است که آن هم صندوق دارد و شمعدان‌ها و چراغ‌ها روی آن می‌گذارند. هنگامی که رافضیان وارد بقعه می‌شوند قبر هارون را به لگد می‌زنند و امام رضا (ع) را سلام می‌کنند.» (ابن بطوطه، ۱۳۹۵، ۴۴۱) به نظر می‌رسد صورت قبر هارون تا اوایل قرن هشتم ق. برقرار بوده و ظاهراً پس از آنکه شهر توس و سناباد در حوزه تسخیر سربداران قرار گرفت، صورت قبر هارون به کلی محو گردید که قطعاً تا آن زمان سردابی وجود نداشته است. هرچند در گذشته کف حرم نسبت به سطح زمین‌های خارج از روضه منوره، گودتر بود و نزدیک به دو متر اختلاف داشت اما با بالا آوردن کف حرم در سنوات اخیر بود که سرداب ایجاد شد. (عالی‌زاده، ۱۳۸۸، ۶۰) ظاهراً حرم در دوران حمله مغولان با آسیب جدی مواجه گردید. عقیده برخی از مورخین بر آن است که خرابی‌های وارده از تهاجمات سبکتکین غزنوی و غزهای ترکمان و مغول‌ها طوری نبوده که بنای بقعه مبارکه را به کلی از بین ببرد یا ریشه‌کن کند بلکه گمان می‌کنند فقط قسمت‌های فوقانی را کوبیده‌اند. (مؤتمن، ۱۳۴۸، ۶۲) بعد از مغولان ایلخانی، تیموریان بیش از سایر حکومت‌های سنی‌مذهب پیش از خود در توسعه و توجه به حرم رضوی تلاش داشتند به گونه‌ای که در زمان شاهرخ (حک: ۸۵۰-۸۰۷ ق/ ۱۴۴۶-۱۴۰۴ م.) و همسرش گوهرشاد آغا آثار زیادی به مجموعه حرم اضافه شد که مهم‌ترین آنها مسجد جامع گوهرشاد، رواق دارالحفاظ و دارالسیاده است. (مولوی و دیگران، ۱۳۸۸، ۳۶) به این ترتیب بعد از بنای اولجایتو دیگر در جایی دیده و شنیده نشده که بقعه مبارک خراب شده باشد مگر در عهد سلاطین صفویه که زلزله شدیدی حادث شد که در اثر آن انشعاقی در گنبد مقدس پیدا شد که آن را مرمت کردند. (مؤتمن، ۱۳۴۸، ۶۲) بنابراین با وجود آنکه قسمتی از آثار نفیسه باستانی در دوره تاخت و تاز مغول و ازبکان به غارت رفت و امرای داخلی گاه و بی‌گاه دست به چپاول اشیاء آستانه زدند، مثل آنکه نادر میرزا و نصرالله میرزا - پسران شاهرخ تیموری - علاوه بر غارت سیم و زر و جواهرات؛ قالی زربافت نفیس تقدیمی صفویه را که در دنیا بی‌نظیر بود، سوزانیدند تا بتوانند از مقدار قلیل طلای آن برخوردار شوند و هزینه ارتش خود را تأمین کنند (کاوپانیان، ۱۳۵۵، ۳۵۵) اما حرم رضوی، ثباتی را تجربه کرد که برای کمتر بنای تاریخی امکان آن برقرار می‌گردد و مسلماً سامان منظم تولیت این آستان سهم مؤثری در این پایداری داشته است.

درباره پیشینه تولیت آستان قدس رضوی آنکه از قرون اولیه پس از شهادت امام رضا (ع)، حضور زائران پیرامون مزار امام (ع) و تأمین نیازمندی‌های آنان سبب ایجاد تشکیلاتی خودجوش و غیررسمی شد. چنانچه بقعه امام رضا (ع) از همان قرون اولیه سرپرست داشته است. در زمان سامانیان مدتی یک زن، مباشر امور بقعه بوده که روزها از نوغان می‌آمده و در آن بقعه بوده و شب‌ها در را بسته و به منزل خود می‌رفته است. پیشینه منصب نقابت به عصر امویان بازمی‌گردد (علیزاده بیرجندی و ناصری، ۱۳۹۲، ۱۵۵) در عصر عباسی نیز این منصب با کارکردهای سیاسی به حیات خود ادامه داد. نقابت در آن زمان یک منصب رسمی و حکومتی بود که از سوی خلیفه تعیین می‌گردید و همه شهرهای بزرگ چون کوفه، بصره و اهواز نقیب مخصوص داشتند؛ شخص نقیب مجری سیاست‌های حکومت بود. (متز، ۱۳۶۲، ۱۷۷) سکوت منابع در قرن سوم و نیمه اول قرن چهارم قمری سبب شده اطلاعات دقیق و روشنی از چگونگی مدفن امام رضا (ع) در این دوره وجود نداشته باشد. اما پس از آن در برخی منابع اشارات مختصری صورت گرفته که نشان‌دهنده وضعیت بارگاه رضوی در نیمه دوم قرن چهارم ق. است. از سده چهارم ق. خانواده‌های زیدیه و سپس سادات حسینی منصب نقابت علویان را به دست گرفتند. از این اشاره می‌توان حدس زد که به احتمال بسیار در این زمان، مدفن امام (ع) از موقعیتی برخوردار شده که گروهی از شیعیان و سادات در آنجا جهت زیارت و عبادت بیتوته کرده و ساکن شده‌اند. پس از این دیگر خبری در منابع یافت نمی‌شود تا نیمه دوم قرن پنجم و ششم ق. که توضیحات کوتاهی در برخی منابع در خصوص نصب صندوق یا ضریح بر مرقد امام (ع) ارائه شده است. (جلالیان و دیگران، ۱۳۹۷، ۴۰-۳۹) تولیت حرم رضوی قبل از روی کار آمدن صفویان بیشتر بر عهده نقیبان بود که از سادات و علما بودند. به واقع از سه، چهار قرن پیش از دوره صفوی تصدی بقعه رضوی بر عهده نقیب‌السادات خراسان که مقامی ارجمند و مخصوص سادات، علما و بزرگان محلی بوده، قرار داشته است. (مهمان‌نواز، ۱۳۹۹، ۲) بدین قیاس، آستان قدس رضوی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین نهادهای مذهبی از جایگاه ویژه‌ای در مطالعات تاریخ ایران برخوردار است. در ساختار تشکیلاتی این نهاد، منصب تولیت از کارگزاران اصلی آستانه بوده است. پیشینه این منصب به دوره صفویه بازمی‌گردد. منصب تولیت در دوره قاجار، تحت تأثیر عوامل مختلف تغییراتی کرد. همچنین عوامل مختلفی از جمله سیاست مذهبی شاهان قاجار، تحولات نظام اداری، روابط والیان، متولیان و حکومت مرکزی در تغییرات این منصب مذهبی نقش‌آفرینی کردند. (علیزاده بیرجندی و ناصری، ۱۳۹۲، ۱۵۵) درباره چگونگی اداره امور آستان قدس پیش از دوران صفویه مدرک

تاریخی در دست نیست (و گمان می‌رود که) مدرک آنها در غارت‌های سده‌های گذشته از بین رفته باشند اما اسناد دوره‌های صفویه، افشاریه، قاجار و عصر حاضر در بایگانی‌های آستان قدس موجود است. (مولوی و دیگری، ۱۳۸۸، ۴۸) که اطلاعات ارزشمندی را در این باب به محققان عرضه می‌کند.

۴- صندوق مزار

سنگ مزارهای رایج در ایران معمولاً به صورت مسطح، صندوقی یا گهواره‌ای هستند. (جلالی، ۱۳۹۴، ۲۱) که نوع مسطح با عنوان «سنگ مزار» و نوع صندوقی با عنوان «صندوق» شهرت دارد؛ هرچند ممکن است صندوق، میان تهی باشد و از دیگر مواد همچون چوب نیز ساخته شود. در مزارات مسلمانان و بیشتر در مرقد بزرگان شیعه مثل امامان، امامزاده‌ها، علماء، شهدا و بعضی مزار پادشاهان برای مشخص کردن حدود مقبره و ایجاد اختلاف سطح بین مقبره و زمین و برای اینکه بالا آوردن قبر شکل کوهان شتر یا پشت ماهی پیدا نکند و مصداق تسویه قرار داشته باشد، معمولاً محفظه‌ای به شکل مکعب مستطیل به طول و عرض متفاوت که میانگین طول آن ۲۵۰ سانتی‌متر، عرض ۱۲۵ سانتی‌متر و ارتفاع ۱۵۰ سانتی‌متر باشد روی قبر قرار می‌دهند تا به این وسیله مزار این افراد از سایرین متمایز و به راحتی قابل مشاهده باشد. از سویی، ساخت و نصب صندوق‌ها از باورهای اعتقادی و دینی افراد نشأت می‌گیرد. از منظر بسیاری پیامبران، امامان و امامزادگان از چنان جایگاهی برخوردارند که پس از وفات نیز باید مورد تکریم و احترام قرار گیرند تا یاد و خاطره آنها حفظ شود. در این میان وسایلی چون صندوق ضمن آنکه در ظاهر مدفن افراد را از سایرین متمایز و برجسته می‌کند سبب توجه بیشتر مردم به پیشوایان دینی‌شان شده و در پی آن موجبات حفظ و گسترش سیره و روش آنان را در میان مردم فراهم می‌کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که استفاده و کاربرد صندوق‌ها برای قبور پیامبران، امامان و امامزادگان بوده است، اما در برخی موارد مشاهده می‌شود که از این نمادها برای بزرگان نیز استفاده شده است. صندوق‌ها، محفظه‌هایی هستند که از چوب، سنگ و گاهی از کاشی ساخته شده و جهت تکریم و بزرگداشت مقام و منزلت پیشوایان دینی، مشاهیر و سلاطین روی مقبره ایشان نصب می‌گردد. ساخت صندوق بر مزار مشاهیر و بزرگان دین، سنتی است که پیشینه آن به روشنی مشخص نیست اما قدرت‌گیری سلسله‌های شیعی چون آل بویه در ایران و گسترش نفوذ آنان در خارج مرزها از عواملی است که می‌تواند بستر لازم را برای ظهور و بروز تمایلات شیعه از جمله ساخت صندوق‌ها فراهم کرده باشد. به اعتقاد برخی ساخت و نصب صندوق قدمتی فراتر از ساخت ضریح دارد و این نمادها زمینه‌ساز ایجاد نمادهای بزرگ‌تر و باشکوه‌تر همچون ضریح‌ها بوده‌اند. (جلالیان و دیگران، ۱۳۹۸، ۳۹-۳۶)

۵- ضریح

با شکوفایی فرهنگ و هنر شیعی، یکی از بارزترین و نفیس‌ترین هنرهای شیعی که آینه تمام‌نما و جلوه بی‌همتای ارادت و دل‌سپردگی به خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام است. این نماد همانا کعبه‌گونه‌ای است، مشبکی به نام ضریح. ضریح در فرهنگ شیعی به عنوان نشانه‌ای از مضجع پیامبران، ائمه اطهار و امامزادگان (ع) داراری ویژگی خاصی است که به دلیل جایگاه صاحبان آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (اسکندرپور خرمی، ۱۳۹۶، ۲۹-۲۸) از گذشته‌های دور، هنر صنایع و تلفیقی ضریح-سازي نزد مسلمانان جهان به ویژه شیعیان ایران و عراق اهمیت و رواج داشته است. ضریح، محفظه‌ای است که بر فراز مقابر و مشاهد متبرکه نصب می‌شود تا زیارت و طواف زائران به آسودگی و احترام‌آمیز برگزار شود. ضریح را معمولاً به شکل مکعب مستطیل می‌سازند. ضریح یک نماد است که هنرمند آن را با زبان اشارت ساخته است. (حسینی رضوی، ۱۳۸۸، ۲۴۷-۲۴۶) صندوق و ضریح در فرهنگ مسلمانان، نمادی از مضجع بزرگان دین، رجال و مشاهیر شناخته می‌شود و در بیشتر موارد القاکننده امر مقدس است. همین امر سبب سده این سازه‌ها کمتر از جنبه تاریخی و هنری بررسی شوند. با اینکه اجزای تشکیل دهنده این نمادها مشخص بوده و بر نحوه ساخت آنها اصول خاصی حاکم است... (جلالیان، ۱۳۹۷، ۸۹) ضریح، سازه‌ای منحصرأ شیعی است. تغییر شکل صندوق قبر به ساختار فلزی به نام ضریح تحول چشمگیر بوده است. اولین نمونه‌های ضریح‌های ایجادشده از جنس چوب بوده است اما در ایران این ساختار چوبی خیلی زود به ساختار فلزی تبدیل می‌شود. (صالحی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۸) در گذشته صندوق قبرهایی از جنس چوب و فلز روی مزار امامان قرار می‌گرفته است اما با گذشت زمان این ضریح چوبی به عنوان صندوق قبر معروف گردیدند و در اطراف این صندوق قبرهای چوبی، سازه‌های فلزی و مشبک فلزی ساده به ترکیبی از انواع هنرهای سنتی که در آن هنرهای وابسته به فلزکاری به همراه انواع هنرهای تزیینی که با حکمت‌های اسلامی با استفاده از علم اعداد و حروف در کنار خود را دارد بر روی فلز تبدیل شد. (شاقلائی‌پور و دیگران، ۱۴۰۰، ۲۰) ضریح‌سازی از هنرهای صنعتی فلزی است. کاربردهای آن عبارتند از ساخت ضریح مکان‌های مقدس و درهای فلزی حرم زیارتگاه‌ها. در ضریح‌سازی از مجموعه‌ای از هنرهای فلزی همچون دواتگری، کوفتگری، زرگری، مینکاری و مشبک‌کاری استفاده می‌شود. بهترین مصادیق این هنر، ضریح اماکن متبرکه مشهد، قم، کربلا و نجف است. (رامین و دیگران، ۱۳۸۹، ۶۷) ضریح به عنوان وسیله‌ای برای محافظت از مقبره و محدوده‌ای برای

حضور زائران در کنار آرامگاه همواره مورد عنایت شیعیان بوده و با توجه به جایگاه مدفون به گونه‌ها و هنرنمایی‌های متنوعی ساخته شده است. علاوه بر شیعیان، دیگر مسلمانان در ایران و سایر کشورهای اسلامی نیز از آن بی‌بهره نبوده‌اند اما سنگینی وزنه حضور شیعیان و توجه به بزرگان شیعه در طول تاریخ اسلام در ایران ساخت ضریح را به یکی از پربرترین هنر صنعت‌های هر دوره تبدیل کرده است. (شاهرویدی و عطارزاده، ۱۳۹۶، ۱۰۷) ضریح، نماد مذهبی و هنری است که برای رعایت احترام و حفظ قداست مدفون پیشوایان دین و شخصیت‌های برجسته ساخته و بر مزار آنها نصب می‌شود. شرافت و قداست این سازه در مکان‌های مقدس و زیارتی سبب شده امر غبارروبی و تنظیف آن به مرور تبدیل به مراسم و آیینی خاص شده و برای آن وسایل و ابزارهای ویژه‌ای پدید آید. (جلیلیان، ۱۳۹۵، ۱۰۹) یادمان‌های ماندگار در حوزه فرهنگ، مذهب و تاریخ ملل به پیشینه جامعه و ژرفای تفکر هر قوم وابسته است. این آثار ارزشمند به درک وسیع، حکمت متعالی، آداب و ادب رایج زمانه، اخلاق و فرهنگ دینی و ملی متصل بوده و محصول قوام‌یافته آن به فن و مهارت آراسته شده است. ضریح به‌عنوان شاهکاری درمیان هنر، مهارت، صنعت و ترکیبی از هنرهای صنعتی محلی برای حفاظت و صیانت از مضجع پاک نبوی (ص) مورد استفاده قرار می‌گیرد، از سابقه دیرینه‌ای برخوردار است. بدین سبب دانش، نشان و اثری کم‌نظیر جهت ارائه مفاهیم ولایی به زوار و هنرنمایی محتوامحور که توسط هنرمندان معتقد در مفاهیم پرغنای تشیع در جانشان پرورش یافته و در آثارشان به منصفه ظهور رسیده، جلوت می‌نماید. در این میان مضجع پاک حضرت امام رضا (ع) و ضریح ایشان از دیرباز و به‌خصوص از دوره صفویه تاکنون توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده است و هنرمندان شیعی و ایرانی بسیاری در بارگاه ایشان به عرض ارادت عملی و هنرنمایی پرداخته‌اند. (اسکندرپورخرمی، ۱۳۹۶، ۲۷)

۶- صندوق‌های مرقد امام رضا (ع)

به درستی مشخص نیست از چه تاریخی و چگونه روی مرقد مطهر امام رضا (ع) صندوق یا ضریح نصب بوده است. بعضی از مورخان عقیده دارند هم‌زمان با دفن حضرت رضا (ع) روی قبر مبارک، علامت و صندوقی نصب شده و عده‌ای دیگر ساخت و نصب صندوق بر روی قبر مطهر را متعلق به دوره‌های بعد می‌دانند. (مؤتمن، ۱۳۴۸، ۸۴؛ صالحی، ۱۳۹۲، ۱۱۳؛ سالاری، ۱۳۹۴، ۱۳۳) در نوشته‌ها و کتب متقدمین و متأخرین بعضی صندوق را به ضریح و پاره‌ای ضریح را به صندوق تعبیر نموده‌اند. این تعبیرات نزد بعضی موجب اشتباه شده که در نتیجه بر اختلاف اصل موضوع افزوده است.^۱ اما آنچه محقق و روشن است از عهد صفویه به این طرف است که وضع صندوق و ضریح‌ها هریک معلوم و می‌توان آنها را به استناد مدارک صحیح و موجود بیان نمود. در سال ۱۳۱۱ ش. نایب التولیه وقت (محمودولی‌خان اسدی) گزارش مفصل و نامه مشروخی راجع به صندوق مبارک و ضریح‌ها ارائه می‌کند. این گزارش که توضیحات و اطلاعات آن توسط مباشرین و مطلعین امر به مشاهده و مطابقت آثار موجود و توجه به سوابق مربوط تهیه شده است، مطلب را به خوبی روشن می‌سازد. (مؤتمن، ۱۳۴۸، ۸۶-۸۵) و بستر بحث در این باره را هموار می‌نماید.

۶-۱- صندوق قرن چهارم ق.

درباره صندوق و ضریح مطهر که چه تاریخ و به چه وضع بوده، اقوال مختلفی اظهار شده است. بعضی از مورخین عقیده دارند پس از تدفین حضرت رضا (ع) روی قبر مبارک، علامت و صندوقی گذارده‌اند؛ پاره‌ای ساختن و نصب صندوق را دوران بعد ارجاع می‌دهند. امام رضا (ع) در سال ۲۰۳ ق. / ۸۱۹ م. به شهادت می‌رسد اما قدیمی‌ترین کتابی که از مرقد مطهر علی بن موسی الرضا (ع) سخن به میان آورده است کتاب البلدان یعقوبی در سال ۲۷۸ ق. / ۸۹۱ م. است. بعد از یعقوبی، اصطخری^۲ و ابن حوقل^۳ در سده چهارم ق. در این باره نوشته‌اند. (حشمتی رضوی، ۱۳۸۸، ۲۵۵) در قرن چهارم ق. در توس، طرفداران حکومت عباسی و اهل سنت در رقابت با شیعه و ضریح حضرت رضا (ع) قصد داشتند صندوق و ضریحی بر گور هارون الرشید نصب کنند که در این ماجرا «قاضی صاعد» مخالفت کرده و هم‌سو با منافع شیعیان که مخالف این کار بودند، رأی صادر می‌کند و ابزار می‌کند اگر صندوق نصب شود به خاطر چیرگی اهل تشیع از جا کنده خواهد شد و این کار سبب وقوع فتنه، تعصب و اضطرابی خواهد شد که موجب فساد در ممالک خواهد گردید. (ابی سعید میهنی، ۱۳۸۵، ۲ / ۷۰۶) در این ماجرا دو نکته مهم روشن می‌گردد: اول اینکه قطعاً در نیمه دوم قرن چهارم ق. صندوقی بر مرقد امام رضا (ع) نصب بوده که حس رقابت را درمیان اهل سنت ناحیه برانگیخته و آنان را وا داشته به تقلید از شیعیان در پی نصب صندوق بر گور هارون برآیند. نکته دوم غلبه نفوس و جمعیت شیعیان در این ناحیه است.

۱ ازجمله این نقایص می‌توان به این طبقه‌بندی اشاره کرد: گذشته تا کنون برای رعایت احترام و بزرگداشت مقام امام رضا (ع) و نیز ایجاد تسهیلات بیشتر برای زیارت، چهار صندوق و شش ضریح بر مزار ایشان ساخته و نصب شده است که به ترتیب شامل موارد زیر است: صندوق قرن چهارم هجری. صندوق انوشیروان مجوس. صندوق شاه‌عباس صفوی. صندوق سنگی. (جلالیان، ۱۳۹۷، ۹۴-۹۲) درحالی‌که بر اساس مستندات تاریخی به نظر می‌رسد تا به امروز حداقل پنج صندوق و یک سنگ کوچک بر مزار ایشان نصب بوده و این بارگاه، پنج ضریح را به خود دیده است.

۲ ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری جغرافی‌دان برجسته ایرانی در سده ۴ ق. است که در این باره اشاره می‌کند: «و نوغان که علی بن موسی الرضا (ع) در آن مدفون است.» (اصطخری، ۱۳۹۶، ۲۷۲)

۳ محمد بن علی بن حوقل معروف به ابن حوقل جغرافی‌دان عرب سده ۴ ق. است.

به احتمال زیاد همان‌هایی که در این مکان مجاور بودند به اهل تسنن در اکثریت قرار داشتند. آنها از موقعیت مدفن امام (ع) و ضمن تکریم حضرت رضا (ع) مکانی را برای تجمع و رشد عقاید علوی فراهم نمودند. این موارد مهم‌ترین دلایل نصب صندوق بر مزار امام رضا (ع) نیز باشد. (جلالیان و دیگران، ۱۳۹۷، ۴۱-۴۰)

۶-۲- صندوق انوشیروان مجوس

از کتاب ثاقب‌المناقب^۱ (حدود ۵۶۰ ق. / ۱۱۶۴ م.)؛ اینطور نقل شده: انوشیروان مجوس اصفهانی که نزد سلطان محمد خوارزمشاه (حک: ۵۲۱-۴۹۰ ق) دارای مقام و منزلتی بود از جانب سلطان مأمور شد نزد سلطان سنجر برود چون مبتلا به مرض برص بود و این مرض موجب تنفر طباع می‌شد از رفتن نزد سلطان سنجر بیمناک بود. بعضی از دوستان وی در مشهد به او گفتند اگر داخل بقعه حضرت رضا (ع) بشوی و او را پیش خدا شفیع سازی؛ خدا تو را از این مرض شفا خواهد داد. انوشیروان گفت: من مجوس هستم شاید خدام حرم مرا از دخول به حرم مانع شوند؛ گفتند به وضع ناشناس و تبدیل لباس برو. او چنین کرد و به آستان قدس رضوی متوسل گردید و با تضرع و زاری از خدا شفا خواست. به برکت امام (ع) شفا یافت. به‌طوریکه چون از حرم بیرون آمد هیچ‌گونه آثار مرض در خود ندید پس از روی صدق و یقین مسلمان شد و بعد از آن برای مرقد مطهر صندوقی از نقره ترتیب و تقدیم نمود. این بطوطه که در سال ۷۳۴ ق. / ۱۳۳۳ م. قسمتی از خراسان را سیاحت نموده؛ می‌نویسد روی مرقد مطهر حضرت رضا (ع) صندوق چوبی نصب شده و روی صندوق صفحات نقره کوبیده‌اند و قندیل‌های نقره بالای مرقد آویخته و آستانه در نیز نقره است و بر در مزبور پرده‌ای از پارچه زربفت مشاهده می‌شود و انواع فرش‌ها در قبه گسترانیده‌اند. (مؤتمن، ۱۳۴۸، ۸۵؛ کاویانیان، ۱۳۵۵، ۳۶؛ حشمتی رضوی، ۱۳۸۸، ۲۶۱-۲۵۶) طبق روایت فوق، اینکه انوشیروان به جای هر کار دیگری در حرم رضوی، ساخت و نصب صندوق را مورد توجه قرار داده می‌تواند به علل مختلف دیگری از جمله فرسودگی و خرابی صندوق قبل (صندوق منصوب در قرن چهارم) باشد که سبب شده او بهترین خدمت به صاحب این بارگاه را تهیه صندوق جدید بداند. ضمن اینکه او متعلق به شهری بوده که در آن هنرمندان و صنعتگرانی وجود داشتند که توانایی ساختن چنین شیء را داشتند. صندوق انوشیروان از جنس چوب بوده که روی آن را با صفحات نقره پوشانده بودند. همچنین روی آن چهار ترنج نقره‌ای وجود داشته است. از ابعاد صندوق-پوش سال ۹۵۲ ق. / ۱۵۴۵ م. نیز تا حدودی می‌توان به ابعاد این صندوق پی برد زیرا این صندوق‌پوش روی این صندوق را می‌گرفته است. (جلالیان و دیگران، ۱۳۹۷، ۴۳) افزون‌براین، از کتاب نزهت‌الاکابر آمده است: از شیخ ابوالحسن محمد بن قاسم فارسی نیشابوری^۲ شنیدم می‌گفت من با کسانی که به زیارت مشهد توس می‌رفتند مخالفت می‌کردم و بر این عقیده هم اصرار داشتم. یکی از شب‌ها، رسول اکرم (ص) را در خواب دیدم که در مشهد توس پشت صندوق ایستاده و نماز می‌گزارد. من از خواب بیدار شدم در همان هنگام به غلام خود گفتم، مرکب مرا حاضر کن. سوار شدم و برای زیارت عازم توس شدم و مشهد را زیارت کردم و بعد از این سالی دو بار به مشهد می‌آمدم. از این حدیث معلوم می‌شود که در قرن ششم ق. روی قبر امام (ع) صندوقی بوده و مردم پشت صندوق می‌ایستادند و نماز می‌گذاشتند. چنانکه این بطوطه، سیاح مغربی که در قرن هشتم از مشهد مقدس دیدن کرده از وجود یک صندوق چوبی روی قبر مبارک خبر می‌دهد (عطاردی، ۱۳۷۱، ۶۵) زیرا وقتی او در سفرنامه خود (۷۳۴ ق. / ۱۳۳۳ م.) درباره مشهد می‌نویسد به ضریح چوبی امام رضا (ع) اشاره می‌کند که با صفحات نقره پوشانیده شده است. این صندوق مدت‌ها بر مزار امام (ع) در سرداب جای داشت تا اینکه در تحولات تاریخی ارکان آن پوسیده شد و به جایش صندوق سوم معروف به صندوق عباسی بر مزار امام (ع) جای گرفت. (عطاردی، ۱۳۷۱، ۶۶؛ عالم‌زاده، ۱۳۸۸، ۵۸)

۶-۳- صندوق عباسی

آخرین صندوق چوبی که روی قبر مبارک حضرت، صندوق چوبی بسیار گرانبهایی بود که از طرف شاه‌عباس در بالای قبر مطهر نصب شد. (عطاردی، ۱۳۷۱، ۶۶) چنانکه نصب صندوق چوبی بر مزار حضرت در سال ۱۰۲۲ ق / ۱۶۱۳ م. را یکی از کارهای مهم شاه عباس اول می‌دانند. صندوقی از چوب فوفل با روکش و میخ‌هایی از طلا و کتیبه‌هایی به خط علیرضا عباسی. در مورد این صندوق و منسوب بودن آن به شاه عباس اول تردیدهایی وجود دارد از جمله اینکه این صندوق در زمان شاه‌اسماعیل اول صفوی روی قبر مبارک نصب شده و بعداً در زمان شاه عباس، مرمت و مذهب به روکش طلا شده است. برخی نیز احتمال داده‌اند این صندوق همان صندوق انوشیروان مجوس بوده که به دستور شاه عباس مرمت شده است^۳ و البته که بنا بر اسناد، شواهد و قرائین هیچ‌کدام قابل تأیید نیست. (جلالیان و دیگران، ۱۳۹۷، ۴۴-۴۳) محرز آنکه شاه عباس اول، صندوقی روکش شده با ورقه‌های طلا اهدا کرد. پیش از آن در زمان تهماسب اول، صندوق چوبی مقبره، دارای مشبک‌های آهنی بود که قسمتی از آن با نقره پوشیده

^۱ الثاقب فی المناقب، اثری است از ابن حمزه طوسی که در موضوع معجزات پیامبر(ص) و ائمه اطهار نوشته شده است.

^۲ از مخالفان امامت امام رضا (ع) که در سده ششم ق. در نیشابور می‌زیست.

^۳ ر.ک: عمادزاده، ۱۳۴۴، ۱۴۸ / ۲

شده بود. (مؤتمن، ۱۳۴۸، ۸۸؛ مولوی و دیگری، ۱۳۸۸، ۴۴) به واقع در سال ۱۰۲۲ ق. / ۱۶۱۳ م. شاه عباس صفوی، صندوق قدیمی را برداشت و صندوقی جدید روی مزار گذاشت. ارکان و اجزای این صندوق از چوب فوفل بود و دور آن کتیبه‌هایی از ورقه طلا به خط ثلث و نستعلیق علیرضا عباسی نصب شد. در کتیبه این صندوق نوشته است: کلب آستان شاه ولایت عباس‌الحسینی - الموسوی‌الصفوی تقدیم نمود سنه ۱۰۲۲ هجری قمری. (مؤتمن، ۱۳۴۸، ۸۹؛ کاویانیان، ۱۳۵۵، ۳۶؛ عطاردی، ۱۳۷۱، ۶۷) در زمان نیابت اولیا محمد ولی خان اسدی (۱۳۱۴-۱۳۰۵ ش) در سال ۱۳۱۱ ش.؛ قرار شد که صندوق مزبور در محفظه‌ای شیشه‌ای جای داده شود اما هنگام کار، صندوق به علت پوسیدگی از هم پاشید. (کاویانیان، ۱۳۵۵، ۳۶؛ عطاردی، ۱۳۷۱، ۶۶)

۴-۴- صندوق سنگی اول

سال ۱۳۰۹ ش. کار تهیه صندوق سنگی مضجع مطهر امام رضا (ع) آغاز می‌شود که دو سال به طول می‌انجامد و در سال ۱۳۱۱ ش. کار نصب صندوق به اتمام می‌رسد (شکل ۱). این صندوق تا سال ۱۳۷۹ ش. بر مزار امام نصب بود که در جریان تعویض ضریح چهارم بر چیده و به جای آن سنگ مرمر سبزرنگی نصب می‌شود. (جلالیان و دیگران، ۱۳۹۷، ۵۶-۵۴)



شکل ۱: صندوق سنگی اول مرقد مطهر امام رضا (ع). ۱۳۱۱ ش. سرداب مزار مطهر امام رضا (ع).



شکل ۲: صندوق سنگی دوم مرقد مطهر امام رضا (ع). ۱۳۷۹ ش. حرم مطهر امام رضا (ع).

در این باره آمده است: صندوق حضرت رضا (ع) از چوب گلابی یا فوفل با میخ‌ها و بست‌های طلا ساخته شده بود ولی به مرور ایام و در طول چندین قرن خورده شده و به هم فرو ریخته بود. در سال ۱۳۰۷ ش به فکر عوض کردن آن افتادند و به جای آن صندوقی از سنگ مرمر عالی استفاده کردند. این سنگ که همان اندازه صندوق چوبی بود، تراشیده و صیقل داده شد و از سال ۱۳۱۱ ش. بر مرقد منور به جای صندوق سابق قرار گرفت. صندوقی از سنگ مرمر ملون از معدن شاندریز است که لیمویی سبز یشم‌نمای عالی به نظر می‌رسد و حاجب نور ماوراء نیست. این سنگ به هزینه خادم کشیک سوم آستانه مقدس یعنی حاج حسین حجارباشی زنجانی ساخته و روی مرقد منور گذاشته شد. ارتفاع آن نود و پنج سانتی‌متر و طول آن دو متر و ده سانتی‌متر و عرض آن یک متر و شش سانتی‌متر و مرکب از چهارده قطعه سنگ است. (مؤتمن، ۱۳۴۸، ۸۶؛ کاویانیان، ۱۳۵۵، ۳۸؛ محسنی، ۱۳۹۳، ۱۳ و ۳۸)

۵-۶- صندوق سنگی دوم

در سال ۱۳۷۹ ش. طی عملیاتی بی‌سابقه با انتقال ضریح دوم به سرداب که تا آن زمان بنا به وصیت شاهرخ نادری در زیر ضریح چهارم قرار داشت؛ سنگی از معدن تورانی پشت یزد به سال ۱۳۷۷ ش. استخراج و به مشهد حمل گردید. این سنگ پس از دو سال حجاری و حکاکی بر مرقد مطهر و در زیر ضریح پنجم استقرار یافت. طول آن دو متر و بیست سانتی‌متر؛ عرض آن یک متر و ده سانتی‌متر و ارتفاع آن، یک متر است و وزنی حدود سه هزار و شصت کیلوگرم دارد (شکل ۲). (سالاری، ۱۳۹۴، ۱۳۴)

۶-۶- ضریح‌های حرم مطهر امام رضا (ع)

یادمان‌های ماندگار در حوزه فرهنگ، مذهب و تاریخ ملل به پیشینه جامعه و ژرفای تفکر هر قوم وابسته است. این آثار ارزشمند به درک وسیع، حکمت متعالی، آداب و ادب رایج زمانه، اخلاق و فرهنگ دینی و ملی متصل بوده و محصول قوام‌یافته آن به فن و مهارت آراسته شده است. (اسکندرپور خرمی، ۱۳۹۶، ۲۷) پوشش روی مزار حضرت رضا (ع) همواره یکی از مسائل مهم حرم مطهر تلقی شده است و برای هنرمندان، مقدس‌ترین محل برای عرضه بهترین هنرها و ممتازترین فنون بوده است. (نقدی، ۱۳۹۲، ۹) ضریح به‌عنوان شاهکاری درمیان هنر، مهارت، صنعت و ترکیبی از هنرهای صناعی محلی برای حفاظت و صیانت از مضجع ذراری پاک نبوی (ص) مورد استفاده قرار می‌گیرد، از سابقه دیرینه‌ای برخوردار است. بدین سبب دانش، نشان و اثری کم-نظیر جهت ارائه مفاهیم ولایی به زوار و هنرنمایی محتوا محور که توسط هنرمندان معتقد در مفاهیم پرغنای تشیع در جانشان پرورش یافته و در آثارشان به منصفه ظهور رسیده، جلوت می‌نماید. در این میان مضجع پاک حضرت امام رضا (ع) و ضریح ایشان از

دربار و به‌خصوص از دوره صفویه تاکنون توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده است و هنرمندان شیعی و ایرانی بسیار در بارگاه ایشان به عرض ارادت عملی و هنرنمایی پرداخته‌اند. (اسکندرپور خرمی، ۱۳۹۶، ۲۷)

صندوق و ضریح، محل اصلی زیارت و کانون توجه زائران در مزارات و مقابر شریف ائمه معصومین (ع) است. صندوق، اجزای متنوع و پیچیده‌ای ندارد. این سازه به طور معمول مکعبی است از چوب، خاتم یا سنگ که فاقد گوی، ماسوره و در ورودی است. برخلاف صندوق، ضریح از بخش‌ها و اجزای گوناگون و متنوع تشکیل شده است. (جلالیان، ۱۳۹۷، ۹۰) ضریح روی صندوق قرار می‌گیرد و شامل دو قسمت سقف یا شیروانی و شبکه دور است. (کاویانیان، ۱۳۵۵، ۴۰) در طول زمان، شماری وسایل و اشیاء نفیس بر صندوق‌ها و ضریح‌های مرقد مطهر امام رضا (ع) نصب گردیده که جزء شاکله اصلی این سازه‌ها نبوده و بعدها در ادوار مختلف به آن منصوب یا منضم گردیده است. این نفایس را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: اشیای گروه اول شامل ترنج‌ها، شیر علم، قبه‌های چهار گوشه ضریح، قبه‌های وسط ضریح، سر طوق، در مرصع، لاله‌های نقره، صفحه‌های طلایی منقوش و شمعدان‌های طلایی که به صورت دائم بر این سازه‌ها نصب بوده است و گروه دوم، اشیای که به صورت موقت بر صندوق و ضریح آویخته بوده است. این اشیاء عبارتند از شمامه‌های طلا و نقره، کارد طلای منبت‌کاری، تسبیح نقره، قندیل‌های نقره، جیقه‌های طلا، زیارت‌نامه، پنجه‌های طلا و نقره، گل‌های طلا و چشمک‌های طلا و نقره. (جلالیان، ۱۳۹۷، ۹۰) به درستی معلوم نیست از چه زمانی روی قبر مطهر امام رضا (ع) ضریح به سبک امروزی گذاشته شده است، با وجود آنکه قسمتی از آثار نفیسه باستانی در دوره تاخت و تاز مغول و ازبکان به غارت رفته و امرای داخلی گاه و بی‌گاه دست به چپاول اشیاء آستانه زده‌اند، نادر میرزا و نصرالله میرزا^۱ از زر و سیم ساخته عتیقه گردآمده دوره سنن ممتده در آستان قدس هزینه ارتش خود را تأمین کرده علاوه بر غارت سیم و زر و جواهرات دستور داد قالی زربافت نفیس تقدیمی صفویه را که در دنیا بی‌نظیر بود، سوزانیدند تا بتواند از مقدار قلیل طلای آن برخوردار شود. (کاویانیان، ۱۳۵۵، ۳۵۵) مسلماً تا قرن هشتم ق. ضریحی بالای قبر مبارک نبوده، زیرا کسانی که در قرن هشتم ق. مشهد امام رضا (ع) را زیارت کرده‌اند از وجود ضریح اطلاع نمی‌دهند و تنها از بودن صندوق بالای قبر خبر می‌دهند (همچون ابن بطوطه). مشهور آن است که گذاشتن ضریح از عصر صفویان آغاز گردیده و در ایام سلطنت آنان برای اولین بار ضریح بر آن قبر پاک نصب شده است، البته دلیل و مدرکی در دست نیست که آنان برای اولین بار این کار را کرده باشند و کسانی که این سخن را گفته‌اند از روی حدس و گمان اظهار داشته‌اند نه از روی سند، نقل یا کتاب معتبری. البته احتمال هم دارد که گذاشتن ضریح به سبک امروز از زمان تیموریان باشد زیرا از عصر تیموریان خصوصاً زمان سلطنت سلطان حسین میرزا بایقرا و صدارت امیرعلی شیر نوایی شیعیان در ناحیه توس و مشهد مقدس دارای قدرت بوده‌اند و از این زمان تولیت آستان قدس به دست شیعیان قرار می‌گیرد. (عطاردی، ۱۳۷۱، ۷۵-۷۳) به هر روی پیدایش ضریح و نصب آن در حرم رضوی از عصر صفوی تا به حال وضعیت روشن‌تری دارد که می‌توان ویژگی‌های هریک را به استناد مدارک صحیح و موجود تبیین داشت. (حشمتی رضوی، ۱۳۹۱، ۲۵۷).

۶-۷- ضریح یا محجر طلای شاه تهماسب اول صفوی

اولین و قدیمی‌ترین ضریح را بایست متعلق به سال ۹۵۷ ق. / ۱۵۵۰ م. و عصر شاه تهماسب دانست. بدنه اصلی ضریح مذکور از چوب بوده که نقره کوب شده و تزیینات دیگری آن را پوشش می‌داده است. (حشمتی رضوی، ۱۳۸۸، ۲۵۸) این ضریح را که به محجر هم معروف است، شاه تهماسب روی مزار امام نصب کرد. در ضریح شاه تهماسبی، وجود کتیبه‌ای که تاریخ ۹۵۷ ق. / ۱۵۵۰ م. در آن حک شده و به نصب محجری طلایی توسط شاه تهماسب صفوی اشاره دارد، نشان می‌دهد که این ضریح در نیمه دوم قرن دهم ق. بر مرقد امام رضا (ع) نصب گردیده است. (جلالی، ۱۳۸۹، ۱۱۴-۱۱۲) از آنجایی که بعد از این مکرر در منابع از محجر (ضریح) شاه تهماسب نام برده می‌شود به نظر می‌آید که در این عصر، صندوق کهن از روی مزار برداشته شده و احتمالاً ضریح شاه تهماسب جایگزین شده است. (نقدی، ۱۳۹۹، ۹) اسکندربیک ترکمان به مناسبت یورش ازبکان به حرم (۹۹۷ ق. / ۱۵۸۹ م.) نامی از ضریح به این شکل برده است: «میر محمدحسین مشهور به میر بالاسر که از سادات مشهد مقدس و در صلاح و تقوی و عبادت درجه عالی داشت و همیشه در بالای سر ضریح مبارک به نماز، طاعت و تلاوت قیام می‌نمود و کمتر از آن مقام شریف حرکت می‌کرد؛ در آن روز هولناک، یکی از ازبکان خدا بی‌خبر دست در کمر او زده بیرون می‌کشید، میر بیچاره از هول جان و

۱ پسران نادرشاه افشار.

۲ هرچند برخی باور دارند که برای اولین بار شاه اسماعیل در سال ۹۱۵ ق. / ۱۵۰۹ م. ضریحی را روی مزار امام رضا (ع) گذاشته باشد. (نقدی، ۱۳۹۲، ۹؛ جلالیان، ۱۳۹۷، ۹۶-۹۴) اما در کتاب تاریخ عالم‌آرای شاه اسماعیل، نویسنده به هنگام توصیف و تفسیر جنگ شاه اسماعیل با شاهی بیگ خان ازبک اشاره دارد که به دستور شاه اسماعیل برای کسب اجازه از امام رضا (ع) آن عریضه‌ای را بر بالای صندوق مبارک قرار دادند (۹۱۷ ق. / ۱۵۱۱ م.) و برای محافظت از آن، شب‌هنگام درهای تمام رواق‌های روضه منوره را قفل نموده، مهر کردند و روز دیگر برای برداشتن آن عریضه آمدند... این مطلب خود به این نکته اشاره دارد که در این ایام به غیر از صندوق، ضریحی بر بالای قبر مطهر نصب نبوده است. (منتظرصاحب، ۱۳۸۴، ۳۴۸) (در تأیید این ادعا، ر.ک. یاقوتی، ۱۳۹۱؛ صالحی، ۱۳۹۲؛ محسنی، ۱۳۹۳؛ سیدقطبی و زحمتکش گلپان، ۱۳۹۶؛ قاسمی، ۱۳۹۶)

کشاکش اضطراب دست بر پنجره ضریح مبارک زده محکم گرفت. از یک دیگر شمشیری انداخته، قطع ید او نمود و دستش در محجر مانده، او را بیرون کشیدند و پاره پاره کردند. (ترکمان، ۱۳۹۰، ۱/ ۵۲۹) درجایی دیگر مؤلف درباره سال ۱۰۰۶ ق. / ۱۵۹۸ م. می‌نویسد: «شیخ حسن حفار مشهدی، در حرم مقدس را بسته در جوار ضریح مبارک محل دیگری حفر نموده، آن در گرانمایه را در صدف آن خاک پاک مخزون ساختند.» (همان، ۶۶۱) ضریحی که قوائم آن چوب و اجزای تشکیل‌دهنده شبکات آن میله‌های آهنی بوده و روی آن قسمتی با ورقه نقره پوشیده شده که تقدیمی شاه تهماسب صفوی بوده که در مرور ایام؛ قوائم آن فاسد شده و قابل بقا به وضع خود نبوده است. (مؤتمن، ۱۳۴۸، ۸۸) ضریح شاه تهماسب تا سال ۱۳۱۱ ش. بر مرقد امام رضا (ع) نصب بود اما در این سال به علت فرسودگی همراه با صندوق عباسی از جایش برداشته می‌شود. (کاویانیان، ۱۳۵۵، ۳۹)

۶-۸- ضریح فولادی دوره شاه سلطان حسین صفوی

ضریح فولادی که به هیچ‌وجه کتیبه و تاریخ ندارد. (اعتمادالسطنه، ۱۳۶۲، ۴۱۳) این امر سبب شده قدمت آن تا کنون نامعلوم و مغشوش بماند اما در سال‌های اخیر تعدادی سند از سال‌های ۱۱۱۵-۱۱۱۱ ق. / ۱۷۰۳-۱۶۹۹ م. هم‌زمان با دوره حکومت شاه سلطان حسین صفوی به دست آمده که در آنها به صراحت به ساخت ضریح در این زمان اشاره شده است. (جلالیان، ۱۳۹۷، ۹۵) عبدالکریم کشمیری^۱ آن را به «ضریح کلان از فولاد جوهردار» تعبیر کرده و اضافه می‌نماید که مبلغ خطیری صرف آن شده و اگر احیاناً از نقره خالص می‌ساختند، زر کمتر به خرج می‌آمد و ضریح دوم که اندرون ضریح فولاد است از طلای بی‌غش است و ضریح سوم که قبر مبارک در آن واقع است از صندل ساخته‌اند به این ترتیب در بالای مرقد منور آن سرور عالیقدر دین‌پرور سه ضریح گذاشته‌اند (کشمیری، ۱۹۷۰، ۹۸)



شکل ۳: ضریح فولادی مرقد مطهر امام رضا (ع) متعلق به عصر شاه سلطان حسین صفوی. موزه آستان قدس رضوی.

بنابراین سخن کسانی که آن را از ساخته‌های روزگار فرمانروایی فتحعلی‌شاه می‌دانند، اشتباه است.^۲ این غلط شاید از آن ناشی شده باشد که در سال ۱۲۳۳ ق. / ۱۸۱۸ م. فتحعلی‌شاه به شکرانه پیروزی بر فتح‌الله خان - وزیر محمد افغان - در سال ۱۲۳۳ ق. / ۱۸۱۸ م. دری جواهرنشان را به آستانه اهدا کرد که به ضریح نصب شده بود و آن را بر پایین پای ضریح مذکور کار گذاشتند. این در هیچ ورودی به درون ضریح نداشت و تنها آذینی بر ضریح ساده پولادین به شمار می‌رفت. روی ضریح مطهر با چوب شیروانی‌مانند ساخته شده که روی آن ورقه‌های طلا کوبیده شده است. (کاویانیان، ۱۳۵۵، ۴۲)

سقف ضریح فولادی از چوب به صورت شیروانی و مزین به ورقه‌های طلا بوده و یک طوق طلای مرصع در وسط و دو قبه جواهرنشان در طرفین آن قرار داشته است.^۳ (نقدی، ۱۳۹۲، ۱۱) این ضریح دارای ۴۴۰ سانتی‌متر طول و ۲۹۳ سانتی‌متر عرض و ۲ متر ارتفاع است (شکل ۳). ضریح فولادی تا سال ۱۳۳۸ ش. بر مرقد امام (ع) نصب بود تا اینکه در این سال هم‌زمان با نصب ضریح شیر و شکر کاملاً از جایش برداشته و به خزانه منتقل شد. (مؤتمن، ۱۳۴۸، ۹۷-۹۶).

۶-۹- ضریح مرصع نادری (نگین‌نشان)

بین ضریح (محجر) شاه تهماسبی و ضریح فولادی شاه سلطان حسین صفوی^۴، ضریح مکمل فولادی نادری وجود داشته است. این ضریح را نادر جهت قبر خود ترتیب داده بود شواهد نشان می‌دهد ضریح نگین‌نشان از ابتدا برای نصب در مرقد امام رضا (ع) ساخته نشده و در اصل متعلق به مقبره نادرشاه بوده است. نادر با سفارش ساخت آن پیش از مرگش قصد داشت شکوه و عظمتش را به رخ مردم جهان بکشد. (نقدی، ۱۳۹۲، ۱۲) کتیبه بالای در آن نشان می‌دهد که نواده نادرشاه، شاه‌رخ شاه حسینی موسوی صفوی آن را در ۱۱۶۰/۱۷۴۷ وقف کرده است که مرگ نادرشاه که اندکی پیش از آن و در همین سال رخ داد، این ضریح را که وی برای مقبره خود ساخته بود به دستور شاه‌رخ نواده او به حرم امام منتقل کردند. (مؤتمن، ۱۳۴۸، ۸۸؛ مولوی و دیگری، ۱۳۸۸، ۴۵) چنانکه یک سیاح انگلیسی به نام فورسایر که در سال ۱۱۹۷ ق. / ۱۷۸۳ م. به مشهد آمده اشاره می‌کند که نادر، ضریحی از نقره

۱ جهانگرد کشمیری عصر نادرشاه افشار.

۲ مثل این عبارت: ضریح سوم که تاریخ دقیق نصب آن معلوم نیست در عصر فتحعلی‌شاه قاجار ساخته شده است. (مؤتمن، ۱۳۴۸، ۸۸؛ کاویانیان، ۱۳۵۵، ۴۲ و حشمتی رضوی، ۱۳۸۸، ۲۵۹)

۳ به لحاظ ترتیب قرارگیری و نه تاریخ: ضریح اول و دوم سقف نداشته‌اند. ضریح سوم فولادی، سقفی از نردۀ چوبی داشت که با روکش‌های طلا پوشانیده شده بود و شیروانی‌پوش‌ها روی آن قرار می‌گرفتند. (محسنی، ۱۳۹۳، ۱۸-۱۶)

۴ در یکی از نقایص مربوط به ابهام در مفهوم ضریح و صندوق، در اصل متن ارجاعی نوشاه شده است: بین ضریح (محجر) شاه تهماسبی و ضریح فولادی شاه عباسی، ضریح مکمل فولادی نادری وجود داشته است. (نقدی، ۱۳۹۲، ۱۲) که توسط نگارنده در مقاله کنونی اصلاح شد.

به دور مرقد امام رضا (ع) نصب کرده است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ۳۰۱) ضریحی از فولاد مرصع که قسمتی از نگین‌های آن به مرور از میان رفته و قسمتی هم که باقی است می‌نمایند که از اصل از نگین‌های مهمی نبوده و سنگ بدل است. (مؤتمن، ۱۳۴۸، ۸۸) از سویی برخی دیگر باور دارند که این ضریح در زمان سلطنت علی‌شاه افشار به صلاح‌دید و اظهار و خواهش سید محمد میرزا (شاه سلیمان دوم) وقف مرقد مطهر امام رضا (ع) شد ولی نصب نگردید تا اینکه در روز پنجم صفر سال ۱۱۶۳ ق/ ۱۷۵۰ م. که سید محمد میرزا (شاه سلیمان دوم) بر تخت نشست ضمن زیارت مرقد امام رضا (ع) دستور نصب ضریح را داد و استادان، این ضریح را کوچک کرده و در جوف ضریح اول که از آهن جوهردار بود، جا داده و ضریح نقره کوب تهماسب در جوف ضریح نادر قرار گرفت و بعدها در دوره حکومت شاهرخ، این کتیبه اضافه شد. (نقدی، ۱۳۹۲، ۱۲)



شکل ۴: ضریح نگین‌نشان مرقد مطهر امام رضا (ع) متعلق به عصر نادرشاه افشار. سرداب مرقد امام رضا (ع).

به هر روی، این ضریح در سال ۱۳۱۱ ش هنگام برچیده شدن ضریح شاه تهماسبی^۱ و صندوق عباسی، بهسازی و دگرباره کار گذاشته شد. در سال ۱۳۳۸ ش چون ضریح شیر و شکر مرتفع‌تر از ضریح فولادی شاه‌عباسی بود برای آنکه کتیبه ضریح نادری از شبکه ضریح شیر و شکر نمایان نباشد، پایه ضریح نادری بر قطعات چوب در داخل قرار داده شد تا در صورتیکه عریضه یا نذری بین دو ضریح قرار گیرد با سهولت به کف ضریح سرازیر و منتقل گردد و نیز به سهولت بتوان آن را غبارروبی نمود. در سال ۱۳۷۹ ش. این ضریح کوتاه و بدون سقف و به رنگ قهوه‌ای در روضه منوره قابل رؤیت بود. در کتیبه وقف‌نامه این ضریح چون کلمه وقف به نصب آمده بود با محدودیت شرعی روبه‌رو شده، مشکلات فنی ایجاد نمود؛ در جریان تعویض ضریح سیمین و زرین در این سال فضایی، در زیر روضه منوره احداث و ضریح نادری به قسمت زیرین روضه منتقل و نصب گردید. (عالمزاده، ۱۳۸۸، ۶۲؛ نقدی، ۱۳۹۲، ۱۳)

درمیان ضریح‌هایی که تاکنون بر مدفن مطهر امام رضا (ع) قرار گرفته، ضریح مرصع تنها ضریحی است که به جز سه مرتبه- ای که به علت نصب صندوق (۱۳۱۱ ش)، نصب ضریح شیر و شکر (۱۳۳۸ ش) و نصب ضریح زرین و سیمین (۱۳۷۹ ش) قابل مشاهده گردیده (شکل ۴) در سایر اوقات در درون و احاطه ضریح‌های دیگر قرار داشته و زایلترین در هنگام زیارت امکان رؤیت آن را نداشته‌اند.^۲ (جلالین، ۱۳۹۸، ۱۰۵) اکنون قبر مقدس امام (ع) در سردابی به عمق ۳ متر و در زیر ضریح نگین‌نشان قرار دارد. (عالمزاده، ۱۳۸۸، ۵۹)

۱۰-۶- ضریح شیر و شکر (ملمع)

ضریح چهارم به شیر و شکر (ملمع) شهرت دارد و در سال ۱۳۳۸ ش. نصب شد. (محسنی، ۱۳۹۳، ۱۸) در دوره پهلوی، مرقد مطهر حضرت رضا (ع) علاوه بر ضریح شاه تهماسب، دارای یک صندوق چوبی و دو ضریح دیگر بود که روی ضریح اول نصب بودند. صندوق چوبی متعلق به دوره شاه عباس صفوی بود و دو ضریح دیگر عبارت بودند از ضریح فولادی و ضریح مرصع که بانی نصب آن روی مرقد مطهر، شاهرخ بن رضا قلی میرزا پسر نادرشاه است. (مؤتمن، ۱۳۴۸، ۸۸) ضریح چهارم با طلا و نقره که به ضریح شیر و شکر معروف است در سال ۱۳۳۸ ش. به دست استاد محمدتقی ذوفن با سرمایه حاج سیدعبدالحسن حافظیان و مشارکت آستان قدس رضوی ساخته شد. (حشمتی رضوی، ۱۳۸۸، ۲۶۰) ارتفاع این ضریح، با دوزاده دهانه، ۳۹۰ سانتی متر بوده و طول و عرض آن به ترتیب ۴۰۵ و ۳۰۶ سانتی‌متر است و وزنی حدود ۷ تن دارد (شکل ۵). (مؤتمن، ۱۳۴۸، ۹۷)

۱ مسلم است مرقد مطهر در سال ۱۳۱۱ ش. دارای سه ضریح بود. از سمت داخلی، ضریح اول نقره بود؛ وقتی مرحوم اسدی، صندوق طلائی مرقد منور را تعویض می‌نمود متوجه شد چوب‌های وسط ضریح که نقره‌ها بر آن قائم بود، پوسیده است لذا ضریح را برچیدند. (کاویانیان، ۱۳۵۵، ۴۰)

۲ البته آرای دیگری در این باره وجود دارد که مطلب فوق را نقض می‌کند و به این نقص، بازگشت دارد که ضریح شاهسلطان حسین صفوی را به فتحعلی‌شاه نسبت می‌دهند: ضریح دوم، فولادی و مرصع است که مربوط به عصر نادر شاهرخ شاه الحسینی الموسوی المصطفوی است. در سال ۱۲۹۰ تا ۱۲۹۷ ق. شبکه مطالایی روی ضریح قرار دادند که جواهرات آن و نذورات داخل ضریح مطهر از دستبرد مصون بماند. (همان، ۴۰) ضریح مرصع از تاریخ نصب ۱۱۶۳ ق. به مدت حدود ۷۳ سال در معرض زیارت قرار داشته، تا این که در تاریخ ۱۲۳۳ ق. به قولی سومین ضریح در کنار دو ضریح قبلی و در قسمت بیرونی نصب می‌گردد. قبل از این تاریخ فقط دو ضریح، یعنی ضریح قدیمی چوبی و ضریح مرصع بر مرقد مطهر وجود داشته است. (قصابیان، ۱۳۷۹، ۲۴۲؛ حشمتی رضوی، ۱۳۸۸، ۲۶۰؛ صالحی، ۱۳۹۲، ۴۲)

۱۱-۶- ضریح سیمین و زرین (آفتاب)

ضریح پنجم، مشهور به ضریح سیمین و زرین در سال ۱۳۷۹ نصب شد که ۱۲ دهانه و ۱۲ تن وزن دارد و طول آن ۴۷۸ و عرض آن ۳۷۳ و ارتفاع آن ۳۹۶ سانتی متر است (شکل ۶). (حشمتی رضوی، ۱۳۸۸، ۲۶۱؛ زنگنه، ۱۳۹۰، ۹۵) طرح این ضریح از استاد «محمود فرشچیان» بوده و قلمزنی و زرگری آن را استاد «خداداد اصفهانی» بر عهده داشته‌اند؛ خطاطی و خوشنویسی آن را نیز «استاد موحد» به انجام رسانده‌اند. در تزیینات این ضریح مبارک، گل‌های آفتابگردان به نشانه شمس‌الشموس و گل‌های هشت‌پر به نشانه امام هشتم شیعیان و گل‌های پنج‌پر به نمادینگی پنج تن آل عبا به تمایش درآمده‌اند. (عالم‌زاده، ۱۳۸۸، ۶۶)



شکل ۶: ضریح فولادی مرقد مطهر امام رضا (ع) مشهور به سیمین و زرین.



شکل ۵: ضریح فولادی مرقد مطهر امام رضا (ع) مشهور به شیر و شکر. موزه آستان قدس رضوی.

۷- نتیجه‌گیری

با وجود اهمیت موضوع و امکان مستندنگاری صندوق‌های مزار و ضریح‌های بارگاه امام هشتم شیعیان، تعداد صندوق‌ها و ضریح‌هایی که در این مکان مقدس قرار گرفته و زمان دقیق نصب یا واقف آن، مبهم بوده و در پژوهش‌های مختلف با نسبت‌های تاریخی گوناگون عرضه شده است؛ به عنوان نمونه برخی باور دارند که برای اولین بار شاه اسماعیل ضریحی را روی مزار امام رضا (ع) گذاشته است درحالی‌که مستندات تاریخی نشان می‌دهد که در آن ایام به غیر از صندوق، ضریحی بر بالای قبر مطهر نصب نبوده یا در لغزش تاریخی دیگر، ضریح شاه سلطان حسین صفوی به دلیل برخی کتیبه‌نگاری‌ها به دوره فتحعلی‌شاه نسبت داده می‌شود و درباره صندوق‌های مزار نیز برخی به غلط، صندوق عباسی را همان صندوق انوشیروان مجوس می‌دانند که ترمیم شده است لذا مقاله پیش‌رو با هدف بهبود کاستی‌های این‌چنینی که از کم‌توجهی به منابع دست اول نشأت می‌گیرد نسبت به بازپژوهی در این عرصه اقدام نمود. نتایج نشان می‌دهد: حداقل پنج صندوق بر مرقد مطهر نصب شده که به ترتیب با عنوان، صندوق چوبی سده چهارم ق، صندوق انوشیروان مجوس (دوره خوارزمشاهی)، صندوق عباسی (دوره صفوی)، صندوق سنگی اول (دوره پهلوی) و صندوق سنگی دوم (دوره جمهوری اسلامی) شناخته می‌شوند. ضریح‌های این بارگاه نورانی نیز به ترتیب با عنوان محجر طلای شاه تهماسب اول صفوی، ضریح فولادی دوره شاه سلطان حسین صفوی، ضریح مرصع نادری (نگین‌نشان)، ضریح شیر و شکر (لمع)، ضریح سیمین و زرین (آفتاب) هستند که دو مورد اول به دوره صفوی تعلق دارند و گزینه‌های متأخر به ترتیب با ادوار افشار، پهلوی و جمهوری اسلامی ایران تناسب پیدا می‌کنند، ضریح مرصع نادری که پیش‌تر در میانه دو ضریح شاه‌تمهاسبی و شاه سلطان حسین صفوی قرار داشت امروزه بر سرداب مبارک حضرت امام رضا (ع) قرار گرفته است. امید است سایر پژوهندگان با غور در منابع متقن نسبت به مستندنگاری در حوزه هنر رضوی اقدام نمایند.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین. (۱۳۸۹). تاریخ کامل. ترجمه حمیدرضا آذیر. جلد نهم. چاپ دوم. تهران: اساطیر.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۷۳). عیون اخبار الرضا (علیه السلام). جلد دوم. ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری. بی‌جا.
۳. ابن بطوطه. (۱۳۹۵). سفرنامه ابن‌بطوطه. ترجمه محمدعلی موحد. جلد اول. کارنامه: تهران.
۴. ابن حوقل. (۱۳۶۶). سفرنامه ابن حوقل (ایران در دوره‌الارض). ترجمه جعفر شعار. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
۵. ابن واضح یعقوبی، احمد ابن اسحاق. (۱۳۸۹). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمدابراهیم آیتی. جلد دوم. چاپ یازدهم. تهران: علمی و فرهنگی.

۶. ابی سعید میهنی. محمد بن منور. (۱۳۸۵). اسرار التوحید. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ ششم. تهران: آگه.
۷. اسکندریور خرمی، پرویز. (۱۳۹۶). «پویشی مفهومی در یافتن ارتباط صورت ظاهری با معانی نهفته در ساختار ضریح امام رضا (ع)». مدیریت شهری. ۱۶ (۴۹): ۴۸-۲۷.
۸. اصطخری، ابراهیم بن محمد. (۱۳۹۶). ممالک و مسالک. ترجمه محمد بن اسعد بن عبدالله تستری. به کوشش ایرج افشار. چاپ دوم. تهران: سخن.
۹. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۲). مطلع الشمس (تاریخ ارض اقدس و مشهد مقدس). تهران: فرهنگسرا.
۱۰. ترکمان، اسکندریبگ. (۱۳۹۰). تاریخ عالم‌آرای عباسی. به کوشش فرید مرادی. جلد اول و دوم. تهران: نگاه.
۱۱. جلالی. میثم. (۱۳۸۹). «ضریح شاه تهماسب: یادگاری از دودمان صفوی در موزه آستان قدس رضوی». مشکات. ۲۹ (۱۰۸): ۱۲۴-۱۱۲.
۱۲. جلالی، میثم. (۱۳۹۴). آثار سنگی موزه آستان قدس رضوی. مشهد: مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
۱۳. جلالیان، سعیده. (۱۳۹۷). «نفایس صندوق‌ها و ضریح‌های حرم مطهر رضوی از عصر صفوی تا دوره معاصر». مشکات. ۳۷ (۱۳۸): ۱۲۳-۸۹.
۱۴. جلالیان، سعیده. (۱۳۹۵). «وسایل و ملزومات غبارروبی و خدمت فوق ضریح در حرم رضوی به روایت اسناد و اشیای موزه-ای». مشکات. ۳۵ (۱۳۳): ۱۳۴-۱۰۹.
۱۵. جلالیان، سعیده. (۱۳۹۸). «ضریح نگین‌نشان مرقد امام رضا (ع) موقوفه‌ای از دوره افشاریه». فرهنگ رضوی. ۷ (۴): ۱۰۹-۷۷.
۱۶. جلالیان، سعیده؛ عظیم‌زاده تهرانی، طاهره و جلیلی، مهدی. (۱۳۹۷). «پیشینه صندوق‌ها و صندوق‌پوش‌های مرقد امام رضا (ع)». فقه و تاریخ تمدن. ۱۴ (۵۵): ۶۸-۳۶.
۱۷. حشمتی رضوی، سیدفضل‌الله. (۱۳۹۱). «هنر شیعی ضریح‌سازی در حرم مطهر امام رضا (ع)». پرتو حسن: مجموعه مقالات نخستین همایش هنر و تمدن شیعی. زیر نظر سید عبدالمجید شریف‌زاده. تهران: سوره مهر: ۲۶۹-۲۴۶.
۱۸. حسینی، سید حسن. (۱۳۹۳). «مراسم تشییع و تدفین پیکر مطهر حضرت رضا (ع)». مشکات. ۳۳ (۱۲۳): ۱۳۱-۱۱۸.
۱۹. رامین، علی؛ فانی، کامران و سادات، محمدعلی. (۱۳۸۹). دانشنامه دانش‌گستر. جلد یازدهم. تهران: دانش‌گستر.
۲۰. رجبی، فاطمه. (۱۳۹۵). جلوه‌های هنر شیعی در نگاره‌های عصر صفوی. تهران: سوره مهر.
۲۱. زنگنه، ابراهیم. (۱۳۹۰). حرم رضوی و ریدادهای مهم آن. مشهد: خورشید شرق.
۲۲. سالاری، علی‌اصغر. (۱۳۹۴). تدوین سبک هنر و معماری حرم مطهر رضوی: پژوهشی بر روضه منوره و حریم حرم مطهر آقا علی بن موسی‌الرضا (ع). مشهد: راپیان میراث کهن.
۲۳. سیدقطبی، سیدمهدی و زحمتکش گلپان، حسن. (۱۳۹۵). ضریح شیر و شکر. مشهد: انصار.
۲۴. شاقلانی‌پور، زهرا؛ قاضی‌زاده، خشایار و علی‌پور، مرضیه. (۱۴۰۰). «نگاره حرم امام رضا (ع) در فالنامه تهماسبی سند مصور برای ضریح شبکه‌ای و گنبد مطالای حرم رضوی در سال ۹۵۷ ق». کارافن. ۱۸ (۱): ۳۳-۱۳.
۲۵. شاهرودی، زهره و عطارزاده، عبدالکریم. (۱۳۹۶). «نمود مفاهیم اسلامی در تزیینات ضریح». الهیات هنر. ۲ (۸): ۱۳۱-۱۰۷.
۲۶. صالحی، اسراء. (۱۳۹۲). پژوهشی بر ضریح‌های امام رضا (ع) در موزه آستان قدس رضوی از منظر طرح، نقش، کتیبه و مفاهیم آن. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر. به راهنمایی ابوالقاسم دادور و مهدی مکی‌نژاد. کاشان: دانشگاه کاشان.
۲۷. صالحی، اسراء؛ دادور، ابوالقاسم و مکی‌نژاد، مهدی. (۱۳۹۵). «کتیبه‌های ضریح شیر و شکر امام رضا (ع) از منظر مبانی اعتقادی شیعه». نگره. ۱۰ (۴): ۳۱-۱۶.
۲۸. عالم‌زاده، بزرگ. (۱۳۸۸). حرم رضوی به روایت تاریخ. چاپ دوم. مشهد: به نشر.
۲۹. عطاردی، عزیزالله. (۱۳۷۱). تاریخ آستان قدس رضوی. جلد اول. تهران: عطارد.
۳۰. علیزاده بیرجندی، زهرا و ناصری، اکرم. (۱۳۹۲). «منصب تولیت و عوامل مؤثر بر عملکرد متولیان آستان قدس رضوی در عصر قاجار». تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام. ۳ (۶): ۱۶۵-۱۳۹.
۳۱. عمادزاده، حسین. (۱۳۴۴). زندگانی سلطان سریر ارتضا حضرت ابوالحسن علی بن موسی‌الرضا. جلد اول و دوم. چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی.
۳۲. قاسمی، منوره. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی کتیبه و آرایه‌های تزیینی ضریح شیر و شکر و ضریح فعلی در آستان قدس رضوی. کارشناسی‌ارشد هنر اسلامی. به راهنمایی علیرضا شیخی. مؤسسه آموزش عالی فردوس مشهد.
۳۳. قصابیان، محمدرضا. (۱۳۷۷). تاریخ مشهد از پیدایش تا آغاز دوره افشاریه. مشهد: انصار.

۳۴. کاویانیان. احتشام. (۱۳۵۵). شمس‌الشموس یا تاریخ آستان قدس رضوی. مشهد.
۳۵. کشمیری، عبدالکریم. (۱۹۰۷). بیان واقع: سرگذشت احوال نادرشاه. لاهور: دانشگاه پنجاب.
۳۶. کفیلی، حشمت. (۱۳۹۵). «تاریخچه شکل‌گیری و تحولات موزه‌های آستان قدس رضوی». سازمان کتابخانه‌ها موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی. ۸ (۳۲): ۱۸-۱.
۳۷. منز، آدام. (۱۳۶۲). تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ترجمه علیرضا ذکاوتی. تهران: امیرکبیر.
۳۸. محسنی. زهرا. (۱۳۹۳). شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی (ضریح‌پوش‌ها و صندوق‌پوش‌ها). مشهد: آستان قدس رضوی.
۳۹. منتظرصاحب، اصغر. (۱۳۸۴). تاریخ عالم‌آرای شاه‌اسماعیل. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
۴۰. مؤتمن. علی. (۱۳۴۸). راهنما یا تاریخ آستان قدس رضوی. تهران: بانک ملی ایران.
۴۱. مولوی، عبدالحمید؛ مصطفوی، محمدتقی و شکورزاده، ابراهیم. (۱۳۸۸). «سیر تحول معماری و توسعه آستان قدس رضوی». ترجمه رجبعلی یحیایی. میراث جاویدان. ۱۷ (۶۵): ۴۹-۳۲.
۴۲. مهمان‌نواز، محمود. (۱۳۹۹). «جایگاه معنوی حرم رضوی در دوره شاه تهماسب اول صفوی». پژوهشنامه خراسان بزرگ. ۱۰ (۴۱): ۱۶-۱.
۴۳. نقدی، رضا. (۱۳۹۲). بررسی صندوق‌ها و ضریح‌های قدیمی رضوی. هنر آستان. ۳ (۷): ۱۷-۸.
۴۴. یاقوتی، سپیده. (۱۳۹۱). تعاملات زیبایی‌شناسی و تصویرگری هنری آیات قرآن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر. به راهنمایی اشرف‌السادات موسوی لر. تهران: دانشگاه الزهرا.